

تشویق فرزندآوری در ژاپن

۱



ریحانه صادقی
مترجم

جمعیت ژاپن با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال پیر شدن است و این امر کشور را به مرز یک بحران جمعیتی کشانده است که پیامدهایی مانا و بلندمدت برای جامعه ژاپن و اقتصاد آن خواهد داشت. دلیل اصلی این مسئله علاقه‌مندی کمتر جوانان ژاپنی به داشتن فرزند، بی‌علاقگی به ازدواج و به تعویق افتادن آغاز زندگی خانوادگی در نتیجه فرهنگ شغلی تبعیض‌آمیز، هزینه‌های مراقبت از فرزند، اقتصادی ثبات، و کاهش نرخ ازدواج است. این روند که ژاپن را با خطر کمبود نیروی کار و سقوط سیستم امنیتی اجتماعی کشور در آینده روبه‌رو کرده است، تنها نسخه‌ای شدیدتر از مشکلی است که بسیاری از کشورهای در سرتاسر جهان با آن مواجه‌اند.

در سال پایانی دهه ۱۹۸۰ و پس از انتشار آماری از سوی دولت، عبارت «شوگ ۱/۵۷» نقل دهان مردم ژاپن شده بود. این عبارت به نرخ زاد و ولد در کشور ژاپن اشاره داشت که در آن زمان به کمترین میزان خود رسیده بود (البته این روند تنزلی ادامه‌دار شد، و در سال ۲۰۰۵ حتی به ۱/۳۶ هم رسید). این واقعیت که فرزندآوری در میان زنان ژاپنی تقریباً متوقف شده بود دولت را مجبور کرد وارد عمل شود، اما اقدام دیر هنگام در این زمینه (و همه موفقیت‌ها و شکست‌هایی که در طول ۲ دهه در این زمینه حاصل شدند) نشان می‌دهند ایجاد تغییر در واقعیت‌های فرزندآوری و فرزندپروری با وجود همه نگرش‌های منفی و محدودیت‌های نظام‌مند چقدر می‌تواند سخت باشد.

ژاپن در حال باخت در نبرد خود برای افزایش معنادار نرخ باروری در کشور است. کسانی که «شوگ ۱/۵۷» را در اواخر دهه ۸۰ تجربه کردند اکنون با نرخ تقریباً ثابت باروری ۱/۴۳ مواجه هستند. طبق برآورد مؤسسه ملی جمعیت و پژوهش‌های امنیت ملی ژاپن، جمعیت تقریباً صد و بیست و هفت میلیونی این کشور ممکن است تا سال ۲۰۴۹ به کمتر از ۱۰۰ میلیون و تا سال ۲۰۶۵ به ۸۲ میلیون (یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به ۹۵ میلیون) نفر برسد.

همین سبب شده است دولت ژاپن به اقدامات خود در این زمینه، به‌ویژه برای ایجاد توازن بهتر در شرایط شغلی مادران شاغل، شتاب دهد. اگرچه قانون مرخصی پس از زایمان مادران از سال ۱۹۱۱ در ژاپن وجود داشته است، در سال ۱۹۹۲، قانون پرداخت تنها بخشی از حقوق به والدینی که تا یک سال پس از تولد فرزند خود از مرخصی پس از زایمان استفاده می‌کردند، رسماً تصویب شد. دولت ژاپن اکنون شرکت‌هایی را که کارکنانشان بیش از ۳۰۰ نفر باشند مستلزم به انتشار برنامه اهدافشان برای استخدام یا ارتقای موقعیت زنان کرده است. این قانون تنها بخشی از تلاش دولت برای تشویق زنان برای بازگشت به کار پس از به دنیا آوردن فرزند است. در سال ۲۰۱۷، دولت اعلام کرد مبلغ ۲ هزار میلیاردین (معادل ۱۸/۴۷ میلیارد دلار) را صرف ارائه بسته‌های حمایتی برای مراقبت از سالمندان، کودکان و آموزش و پرورش خواهد کرد. اکنون استفاده از دوره پیش‌دبستانی دولتی برای کودکان بین ۳ تا ۵ سال رایگان است، و خانوارهای کم‌درآمدی که فرزندانی کوچک‌تر از این سنین دارند خدمات مراقبت از فرزند را رایگان دریافت می‌کنند. از سال ۲۰۱۳ نیز بیش از ۵۰۰ هزار مهد کودک دولتی جدید از سوی شهرداری‌ها ساخته شده است.

در برخی شهرهای ژاپن نیز اقدامات بیشتری صورت گرفته است. بر اساس مقاله‌ای که در اکونومیست منتشر شد، شهر ناگی در اوکایاما از طریق دادن هدیه‌ای سیصد هزارین (۲۷۸۵ دلار) به مادرانی که تازه صاحب فرزند می‌شدند، و هم‌چنین ارائه کمک‌هزینه مراقبت از کودک، مسکن، سلامت و آموزش، توانست موفق به افزایش دوبار بر نرخ باروری (از ۱/۴ تا حدود ۱/۹ در سال ۲۰۱۷) شود. اعمال سیاست‌هایی برای مقرون به صرفه‌تر و سهیل الوصول تر شدن مراقبت از کودکان و مراقبت‌های سلامتی آن‌ها در کنار حفظ کیفیت بالای این موارد، برای حمایت از مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند و تشویق آن‌ها به پرورش کودکانی سلامت اهمیت بسیاری دارد. شالوده‌های رشد شناختی کودک و کسب مهارت‌های اجتماعی احساسی بعدی او در زندگی در سال‌های بین تولد تا پنج‌سالگی بنیاد گذاشته می‌شوند، و ثابت شده است گذراندن دوره پیش‌دبستانی و برنامه‌های باکیفیت مراقبت از کودک می‌تواند تأثیر بسزایی بر میزان کسب این مهارت‌ها به‌ویژه در میان کودکان متعلق به خانوارهای کم‌درآمد داشته باشد. هم‌چنین، تحقیقات نشان می‌دهند افزایش میزان و کیفیت مرخصی پس از زایمان و اعمال سیاست‌هایی برای حمایت از بازگشت آسان مادران به کار، برای سلامت روانی مادران و خانواده‌هایشان بسیار خوب هستند. اما هم‌چنین مشکلات بسیاری بر سر راه والدین ژاپنی وجود دارند. برای نمونه، شاید پیش‌دبستانی دیگر رایگان شده باشد، اما به هیچ وجه سهیل الوصول و در دسترس نشده است. بر اساس مقاله‌ای که در نیویورک تایمز منتشر شد تقریباً ۲۰ هزار کودک در فهرست انتظار ورود به مهدهای کودک دولتی قرار دارند. دولت خود را ملزم به ساختن ۳۲۰ هزار مهد کودک دولتی جدید تا سال ۲۰۲۱ کرده است. این یعنی استخدام و آموزش ۷۷ هزار آموزگار. یافتن و استخدام نیروی متخصص تحصیل کرده و آموزش دیده برای استقرار در این مشاغل به هیچ روی کار ساده‌ای نیست.

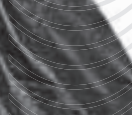
علاوه بر همه این‌ها، نگرش‌های منفی فرهنگی موجود در رابطه با کار و مراقبت از فرزند هم چنان به قوت خود باقی هستند. طبق آمار یونیسف، در سال ۲۰۱۷ تنها یک نفر از هر ۲۰ پدر از طرح مرخصی پس از زایمان سی هفته‌ای با حقوق ژاپن استفاده کرده است. مادرانی نیز که پس از پایان این دوره مرخصی تصمیم به بازگشت به محیط کار می‌گیرند اغلب با قوانین و رفتار تبعیض‌آمیز و فشار نابرابر مسئولیت مراقبت از فرزند در منزل روبه‌رو خواهند بود.



شهربانو

۲۲ آذر ۱۴۰۰
شنبه
۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ شماره ۲۵۵۵

(۷)



روایتی از زنان با اقتدار مسلمان تاریخ ایران

سارای ملک‌خانم همسر باذکاو تيمور

غازان خان بن یستور، از نوادگان چنگیز، دختری داشت به نام سارای که چون دختر خان مغولی بود به او خانم به معنای «دختر خان» یا «شاهدخت» می‌گفتند. سارای مسلمان بود و چون به سن ازدواج رسید، با امیر حسین قراوناس، برادر زن تیمور، ازدواج کرد اما دیری نپایید که شوهر وی دار فانی را وداع گفت و طبق رسوم تاتارها، سارای به عقد تیمور درآمد. ازدواج سارای با تیمور موجبات آن را فراهم آورد که به تیمور لقب «گورکان» به معنای «داماد» داده شود. سارای ملک‌خانم از محبوب‌ترین همسران تیمور بود که به واسطه همین مهرورزی از جانب تیمور، سارای خانم چندین بار شفاعت شاهزادگان خطاکار تیموری را کرد. او زنی باذکاو بود. به همین دلیل، تربیت برخی نوادگان تیمور همچون الغ‌بیگ و خلیل سلطان بر عهده وی گذاشته شد. خلیل سلطان چون به سن جوانی رسید، مخفیانه با دختری به نام شادملک ازدواج کرد و چون تیمور از ازدواج وی آگاه شد، دستور قتل همسر خلیل سلطان را داد. خلیل سلطان نیز نزد سارای خانم رفت و از او چاره خواست. این چنین شد که سارای خانم شفاعت وی را نزد همسر خویش کرد و تیمور به واسطه احترام به او، از تصمیم خود منصرف شد.

علاقه تیمور به سارای ملک‌خانم بدان اندازه بود که پس از بازگشت از هند، تصمیم گرفت در سمرقند مسجدی بزرگ به نام همسرش بسازد. مسجد را «بی‌بی خانم» یا «بی‌بی خاتون» نام‌گذاری کردند. سارای ملک‌خانم حدوداً در شصت و دو سالگی دار فانی را وداع گفت.

دوندو خاتون، امیره خوزستان

حسین بن اویس جلایری از حاکمان جلایری بود. آل جلایر یا جلایریان دودمانی پارسی‌مآب و از نژاد مغولی بودند که از سال ۷۴۰ تا ۸۳۵ هجری قمری بر بخش‌هایی از ایران و عراق حکمرانی کردند. حسین بن اویس جلایری دختری زیباروی داشت به نام دوندو خاتون یا تندو خاتون که وصف روی زیبایش به گوش همگان از جمله ملک‌ظاهر برقوق، سلطان مصر، رسیده بود. او همچون دیگر نیاکان جلایری اش شیعه بود. در سفری همراه عموی خویش عازم مصر شد. در اسناد آمده است که سفر سلطان احمد و پسرش به مصر به دلیل ترس از حمله تیمور بوده است و چون پای به مصر گذاشتند، ملک‌ظاهر آن‌ها را به نیکی پذیرایی کرد. ملک‌ظاهر برقوق از دوندو خاتون، دخت جلایری، خواستگاری کرد. از طرفی، تیمور چون بغداد را ترک کرد، جلایریان پناه‌برده به دربار ملک‌ظاهر برقوق با کمک سلطان مصر به بغداد بازگشتند. وصال میان برقوق و دوندو خاتون گرچه حاصل شده بود، دیری نپایید که به جدایی میان آن‌ ۲ ختم‌گشت و دوندو خاتون پس از طلاق به بغداد رفت و با پسر عموی خویش، ولد، ازدواج کرد. در این زمان، سلطان احمد بر بغداد حکومت می‌کرد و چون درگذشت، شاه‌ولد بر تخت نشست. عمر شاه‌ولد به درازا نکشید و دارفانی را وداع گفت. پس دوندو خاتون امور بغداد را در دست گرفت. چون قراقویونلوها بغداد را محاصره کردند، دوندو خاتون به همراه ناپسری اش یک سال در برابر آنان مقاومت کردند اما چون ادامه ایستادگی را میسر ندیدند، به همراه دیگر فرزندان شبانه راهی شوشتر شدند. دوندو خاتون برای حفظ مقام جلایریان مدت‌ها با امیر عرب، مانی، در حال جنگ بود و فرجام چنین شد که توانست بصره، واسط و شوشتر را از آن جلایریان کند. ضرب سکه به نام وی و خواندن خطبه به نام دوندو خاتون به مقام وی رسمیت بخشید. او با شاهرخ میرزای تیموری از در آشتی درآمد و هدایای بسیاری برایش فرستاد. از طرف خاندان او نیز مورد حمایت قرار گرفت و توانست امیره خوزستان شود. وی در سال ۸۲۲ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.



(ایراندخت)

نفسه زمانی
فصل فرهنگی

